

ایران

ومطبوعات جهان

بموجب دستور مرقم‌الهی شماره اول سپتامبر ۸۱ (۱۰ شهریور ۱۲۹۰) خود تحت عنوان "در حال غرق شدگی" از پیش منبرصد.

با وارد آوردن ضربه بفسر دولت و توفیق بر کشتن سوزان رئیس جمهور و رئیس دولت - جمهوری اسلامی و آیزن‌هاون صلح ایران و ضربه ای بر دولت مملکت تر از ضربه دو ماه پیش - انفجار مرکز جمهوری اسلامی و کشته شدن عدلی بویزه آیت الله طهرانی است - روزی وار کرده است - هزاران بار از کشتن و عده ها اقدام چنین آرزو برای به بانوانی کشتن کسانی که عزم به بنابودی رژیم کرده اند - و کالی نبود - بلکه برعکس و بنظر میرسد که شکاف و درود نفیض سرکوب به سارت و غمناخ مخالفین رژیم افروز است - کشتن رئیس جمهور و نفیض وزیر جنس رژیم به وضوح تمام نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی متنی قادر به تأمین امنیت رهبران اصلی خود نیز نیست.

آریه از این پس مطرح است مسئله ادامی حیات خود رژیم است - بعد از ضربه های شدید که به حزب حاکم وارد شده و درک این امر مشکل است که از بین بردن رژیم از بالاترین مقامات سیاسی کشور و بدون همفکری و همکاری گروه رهبری کننده صورت گرفته باشد - قابل ذکر است که تحقیقات در مورد انفجار دو ماه پیش در مرکز حزب جمهور لو اسلامی و هنوز به نتیجه نرسیده است - دولت است که رژیم ایران از مراکز قدرت چند گانه و به هم تشکیل یافته و هیچ و هیچ حاکم در کارکرد نظام استبدادی ایجاد اختلال میکند ، با این همه بجای - جمهوری مبرهن و نهادی کردن اقدامهای ظالمانه و ملامت کردن به خشونت بدون تمایز بین مخالفان واقعی و غیر واقعی رژیم در مقابل مخالفان خود راهی جز توسل به ترس و با توسل بان چیزی را از دست نخواهند داد (این نکته است)

بموجب دستور مرقم‌الهی اول سپتامبر ۸۱ میونسو : رژیم آنگه مخالفان صلح یک رژیم دیکتاتوری و ایدئال نظامی اینست که " سرهای دولت را از بین ببرد . تا کون چندین جنبش به خاطر دست زدن به چنین عملیاتی (که از نظر کور غیر ممکن بنظر میروند) در میان شکسته و سرکوب از هم باشیده شده اند . معمولاً آن جنبشها با مانع دستگامهای امنیتی که در کار خود موفق اند و هیچ شانسی به مخالفین رژیم نمیده هند ، برخورد کرده اند . در این حال

مخالفین خود را به کشتن جتد سرباز و افسران کم اهمیت قانع نگیند . در ایران و هیچ چیز طل جاهای دیگر نیست . . . دو سال رژیم

بعد از انقلاب نوبه . . . آیزن‌هاون صلح رژیم خنثی و در طی دو ماه و یکسوم هزار اعدای و هزاران زندانی در حال از بین بردن " سرهای رژیم دیکتاتوری در هس اند . . . آیزن‌هاون صلح . . . به رکوردی در نوع خود کهنه دست صیاد نامیده ام حساب شده ای یک طبقه سیاسی . . .

لیبراسیون در همین سر مقاله و دلیل این ضربه است مملکت را در ضعف شدید سازماندهی و تشکیلاتی رژیم و " باند بازی و " فرقه گرائی " میخواند و در پایان نتیجه میگرد .

" روشن است که این بپ گذارها از نظر فنی احتیاج به نفوذ در دو قدرت رژیم دارند . علاوه بر هیچ و هیچ حاکم در سیستم حکومتی و این امر نشان میدهد که آیزن‌هاون صلح در واقع حکومت طرفدارانی دارند که

.. میتوانند در روز بلخواب با مواد مخفیه خود در جلسات رهبران رژیم شرکت کنند ."

..... میتوانند در روز دلخواه با مواد مخفیه خود در جلسات رهبران رژیم شرکت کنند . در مورد عاطفین بپ گذاری در نفیض رهبری و در مطبوعات خارجی سه احتمال را قویتر از دیگر احتمالات میدانند :
۱) میاهدین با همکاری بوئر مقامات بالای رژیم جمهوری اسلامی .

۲) جنگ مخفیانه و جدالیهای درونی رهبران رژیم تا چنانکه روزنامه لوبان در شماره اول سپتامبر ۸۱ ، از خوش شانسی های بی دریغ و "شکوک" هاشمی رضنجانی به هنگام انفجارها سخن برانید . و هفته نامه "آریک" - آزی " شماره ۳۱ اوت خود ، قبیل از انفجار کاخ نفیض رهبری در باره خروج با هنر چند دقیقه قبل از انفجار مرکز حزب جمهوری اسلامی نوشته بود : " اگر چه در حال حاضر باید از تحقیقهای عیولانه خودداری کرد ولی شایعات گسترده ای وجود دارد که این بپ گذاری (دفتر حزب جمهوری اسلامی) را به تهیه حساب بوئر و نامهای مخالف حزب نسبت میدهند ."

بچه هم میخواست این کار را بکند و این مطلب را در مورد انفجار بمب ۷ تیر که به قیامت جان آیت الله بهشتی و مرد نیرومند رژیم و تمام شد نیز گفته بود. نه! بچه به هیچ وجه قادر به چنین کاری نیست. انفجار های هفت تیر و ۸ شهریور کار حرفهای های برجسته است.

کدام حرفهای ها از کدام همدستان استفاده میکنند؟ همه چیز ممکن است: از مجاهدین خلق گرفته (که دوستانی در درجات بالای سلسله مراتب روحانیت دارند) تا مملکت طلبان (که تماس خود را با افاضه سابق ساواک که امروز در ساواک فعالیت میکنند، حفظ کرده اند) و تا تشیبه حساب داخلی آخوند ها - قهلا پس از مرگ بهشتی این بی بی و شایعه وجود داشت که گمنام او صحن است کار آخوند های باشد که از قدرت فراوان او تاسوس با آمریکا میباید. نگران بودند... بهشتی موفق شده بود که با آمریکاها مذاکره کند و آزادی و بازگشت گروگانها را به آمریکا (که بنی صدر و قطب زاره در این راه شکست خورده بودند) بدست آورد. از آدم آشنا با رژیم دست از استالین شیمه یعنی از آیت الله بهشتی بر بی آید که تغییر جهت دهد و آمریکاها را قرار بگیرد.

۲) کار کادوهای بالای ارتش و ساواکیها، در مورد این احتمال سوم بخاطر خصلت بسیار تکلیفی و حرفه ای این انفجارها تقریباً کلیه مطبوعات فرانسوی. بعنوان یکی از احتمالات ضیق القولند. است. لاشان بر اینست که با نظر ضمیمه نشدن ارتش شاهنشاهی و بکار گرفتن بسیاری از افراد آن در رژیم جمهوری اسلامی، و نیز استفاده مجدد ۸۰ درصد از ساواکی های سابق در ساواک (لومانی، اول سپتامبر ۸۱) این افراد در سطح فعالیت رژیم رخنه کردند. افراد کشته های ضد خرابکاری ساواک که در عالی ترین مرکز تملیحات خرابکاری و ضد خرابکاری آمریکا درود دیده اند پس از گردیدن باسلام و بهشتی قادرند که از مهارت دوگانه خود در خرابکاری ضد خرابکاری (هر یک بجای خود) استفاده کنند. میر بلانشه که به همراه یک زن روزنامه نویسی (کلرا بری) در ایران از انقلاب بعنوان خبرنگاران روزنامه "کیراسیون" در ایران بسر بردند و بعد از انقلاب کتابی نوشتند با عنوان "ایران، انقلاب بنام خدا". روزنامه نگاران - خبرنگاران نظیر میر بلانشه که قبل از انقلاب در حاحه ها و کشورهای بر شهر فراوان خود در دفاع از مبارزات و نهادهای طبع رژیم شاه نقش مهم در جلب حمایتها از طرف فرانسه به نفع مبارزات مردم علیه شاه داشته اند و پس از انقلاب و استقرار رژیم ارتجاعی حینی سازگان و از همان آغاز بصورت مخالفان رژیم ارتجاعی اسلامی در آمدند. میر بلانشه بعد از انفجار کاخ نخست وزیری متوجه ای در هفته نامه "نیول اسپر وانور" صبح ۱۱-۱۰ سپتامبر ۸۱ (۲۰ - ۱۴ شهریور ۱۰) نوشت: نخست وزیران انفجار و سوختن حرفهای ها که در زیر سلطوری از آن نقل میشود:

از شانزدهم تیر شقی خیمینی که خدمات بازگشت او در قریه ۷۶ (بهمن ۵۷) با ایران را فراهم کرده بودند، امروز ۱۴ تیر در خانه افتادند: بقتل رسیده اند از صحنه های بیرون رانده شده، دو باره به تبعید بازگشته اند... باید از مهارت خاصی برخوردار بود که بتوان انفجاری را در دفتر نخست وزیری

در محلی که ((بعد از چهاران)) به سرتاز هر نقطه دیگر تهران از آن محافظت میشود، سازماندهی کرد و به مرحله اجرا در آورد. آری باید بسیار کار کشته و ماهر بود که بتوان از محله نخست وزیری که بروی هر رفت آبی بسته است و توسط پاسداران و افراد کشته ها محافظت میشوند عبور کرد. باید از منابع خوبی خوبی برخوردار بود تا از تشکیل دو

جلسه همزمان در نخست وزیری (یکی درباره مسائل اقتصادی کشور و دیگری در مورد مسائل اقتصادی) مطلع شد. باید بینهایت متبحر بود تا بتوان مزاج متغیره را در جایی قرار داد که فقط اشخاص خود نظر (نه تمام افراد مستقر در اطراف) را حتماً به کشتن داد. امروز مقامات رژیم ((قبل از همه حینی)) اسکند که یک

امریکاکیها بخشی آمادگی داشته از یک رژیم با ثبات و تحت رهبری مردی با پنجه های آهنین یعنی از بهشتی حمایت کنند. آیا هدف بهشتی به تشویق روحانیونی انجام شد که به حزب توده نزدیک اند و خواستار نزدیکی با شوروی هستند؟ این یک فرضیه و شایعه است. شایعه مشابهی در مسکو کشته شدن رجایی و با هنر نیز وجود دارد. رجایی بازگویی ارزش ویی اهمیت بود که توسط بهشتی برای مقابله با بنی صدر بصحنه آورد. شده بود. با هنر از اهمیت بیشتری برخوردار بود... روحانیون شیمه که از ۱۲۰ هزار آخوند تشکیل میشوند نه یک دست است و نه همه آنها پشت سر قشریت امام قرار دارند. هر گروه حزبی در بین روحانیون، مشتری خود را دارند. مجاهدین و دوستان و همدستانس در بین جامعه روحانیت دارند. حزب تصوف که استالینی ترین حزب جهان است و همین زانو بخیمینی خمیده است و در بین پارهای از روحانیون نفوذ کرده است. آیت الله های بزرگ که آنها را آیت الله العظمی مینامند (شریعت داری و قوی و نیروی اکثر نصیحت برند که یکی از هم قطاران خود را بجای نماینده خدا بگیرند برای این است که آنها هزار بار رژیم سلطنتی را که حقوق آنها را محترم بشمارد، ترجیح میدهند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

نشریه هفتگی "لوپوان" چاپ پاریس، در شماره مورخ ۲-۱۳ سپتامبر ۸۱ (۱۷-۲۲ شهریور ۱۳۰۰) در مقالهای تحت عنوان "ایران: جنگ آخوند ها، حادثه های انفجار کاخ نخست وزیری را بر اساس نظر یکی از کارشناسان ساکن ایران که به تازگی پس از شش ماه اقامت در تهران به پاریس بازگشته، ناشی از جنگ بی امان این الله ها، حجت الاسلامها و سایر ملامهای به ظاهر محمد قطادار میکند.

"لوپوان" در ادامه مقاله می نویسد:

"اگر عامل انفجار توانست بدون دژ مستحکم نخست وزیری وارد شود به معنای اینست که همه اقتضای شغلی می توانست به راحتی وارد آن شود درست مثل افسر عالی مرتبه ای مانند سرهنگ فون اشتوفن برگ که حق ورود به مقر هیئت رادانت و توانست بعضی را در اطاق کار هیئت قرار دهد که نزدیک بود در ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۴ او را به هلاکت برساند."

"اکسپرس" هفته نامه دیگر فرانسوی در شماره مورخ ۱-۱۰ سپتامبر ۸۱ در مورد انفجار دفتر نخست وزیری می نویسد:

"در جلسه شورای امنیت کنفرانس، عدای از مقامات نظامی و انتظامی از جمله سرهنگ سمید دستگردی رئیس شهرپاوی، ژنرال نرفخواه، چند افسر ژاندارمری و نیروهای مسلح دیگر شرکت داشتند."

مجلس همیشه به هنگام تشکیل جلسه

"اطرائی نخست وزیری بخدمت محافظت معینه انومیلیا حق عبور و مرور از کچه ها و خوابگاههای اطراف را نداشتند. روی باصها پاسداران با مسلسل ها و آتشبارهای ضد هوایی مراقب اوضاع بودند، تمام افرادی که وارد نخست وزیری میشدند مورد تفتیش بدنی قرار میگرفتند..."

در این حال این انفجار می تواند توسط سازمانی مقدر و با همکاری مقامات بالای رژیم صورت بگیرد.

"اکسپرس" مانند سایر سایر نشریات فرانسوی و سه احتمال: میاهدین، ساواک، های نفوذ کرده در رژیم و تسویه حساب آخوند ها را مطرح میکند. و در زمینه احتمال اخیر می نویسد:

"حجت الاسلام رفیعیان یکی دیگر با نفوذ اقبالی باور نکردنی مواجه میشود. در ساعت سه بعد از ظهر، درست در لحظه انفجار بمب، در سمیت جلسه را اعلام میکند."

لوپوان

در شماره مورخ ۳ سپتامبر ۸۱ نوشته است: انفجار یکشنبه گذشته بدلا بلی چند، اسرار آمیز بنظر میرسد بهرزه بخاطر سکوت مقامات در صدد هیئت ۹ تا ۱۵ مبرج حادثه، و این امر موجب نایمات بسیاری شده است. طه ای معتقدند که تعداد کشته شدگان خیلی بیشتر از آنست که رژیم اعلام داشت و دلیل آنسر بخاطر آنست که تعدادی از مقامات انتظامی واقعی در میان کشته شدگان وجود دارد. سکوت - مقامات رژیم در این زمینه بخاطر نگرانی سیاسی

آنها از اعلام اضا تشکیلاتی است که صورت گرفته است. جاورزه با ترویج شد و خود در اولین جلسه شورای امنیت و مبارزه با ترویج، فرانسیس آن گردید.

"المجاهد" (ارگان رسمی دولت الجزایر) در شماره اول سپتامبر ۸۱ در مورد انفجار دفتر نخست وزیری نوشت:

"در فاصله دو ماه یکبار دیگر آنیسه که فریبش بنظر میرسد، بوقوع پیوست... چگونه میتوان چنین چیزی وجود هندستانی در بین مقامات رسمی توپوش... همین روزها در شطری روز بعد (۱۳ سپتامبر) شورای اولین بار بجای "امام خمینی از آیت الله خمینی" نام میبرد.

و ادار کردن زنان کارگر و کارمند در کارخانه ها و ادارات به پوشش اسلامی و بعد اخبار زنان مراجعه کننده به ادارات و اماکن عمومی به همان پوشش گذائی یکی از "فراز" های ایجاد جامعه صد در صد اسلامی در داخل و یکی از مضامین صدر انقلاب - اسلامی در جهان بنظر صورت. اگر این "گام اساسی انقلاب" فعلا در داخل با موفقیت همراه شده و پس صدر آن بخارج با شکست مضمانای مواجیه شده است. گام اولیه برانضمده انقلاب اسلامی به سراسر جهان رسد. شی سخت آوری برای رژیم اسلامی بوجود آورد و زنان "مستضعف" آریائی تو دشمن محکمی به دهستان نگران رژیم آخوندی وارد آوردند. شرح تفتیش شده ی این امر را از شماره ۲۶ مورخ ۲۱ اوت ۸۱ (هشت شهریور ۱۳۰۰) مجله "اشیگل" نقل میکنیم

"کلمه کارمندان زن هواپیمائی طی ایران در آلمان غربی، بر اساس دستوری که از تهران صادر شده از این پس باید موها، پیشانی و آبروهای خود را در زیر دستمالی به ابعاد ۱۰x۱۰ سانتی - متر پنهان کنند. محمد گاطی، رئیس "ایران ایر" در فرانکفورت، اصرار داشت که دستور خمینی را در خاک آلمان بیاده نکند. او به کارمندان زن اعلام کرد که هر کس در استفاده از روسری خود - داری کند، هر روز یک اخطار دریافت خواهد کرد. داشت. او ۷ کارمندان زن آلمانی و یک کارمندان ایرانی در فرانکفورت را تهدید کرد که سه اخطار موجب اخراج خواهد بود. زنان کارمندان ایران این "به اداره ی کار فرانکفورت شکایت کردند. در آگاه رسیدگی به امر مربوط به کار، پس از بررسی شکایت کارمندان زن، رای داد در صورتی که "ایران ایر" زنان کارمندان خود را مجبور به استفاده از روسری کند، باید جریمه ای به مبلغ یک هزار مارک آلمان بپردازد و رئیس شرکت نیز به شش ماه زندان محکوم خواهد شد. قضات آلمانی دادگاه عقیده داشتند که کارفرمای ایرانی مقررات مذکور در ماده ی ۸۷ قانون کار آلمان را که بر اساس آن نوع لباس کار باید توسط نمایندگان کارگران و کارفرما مشترکا تعیین شود، را زیر پا گذاشته اند."

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

سندگوی سندیگای کارمندان مؤسسات خصوصی

اگر استفاده از روضی را قبول میکردیم بزودی میبایست زیر بار پوشیدن جواربها تحمل بیندیشیم.

انتشار رهائی

پس از بیوش فاشیستی اخیر رژیم، تشدید مبارزات توده ای یکی از احتمالات جدی بود. سازمان ما در زمینه تدارک برای انعکاس این مبارزات محتفل و کمک به گسترش آنها بر آن شد که نشریه رهائی را از شکل عمدتاً ترویجی گذشته به شکل تبلیغی با تکرار بیشتر در آورده به دنبال این تصمیم، رهائی مدتی بصورت سه شماره در هفته و پس از آن نیز مدتی بصورت دو شماره در هفته منتشر شد. بدلاطلائی کلی که به همه ای از آنها در شماره های مختلف رهائی و نیز شماره ی حاضر اشاره شده است عطفکرد سازمانهای سیاسی در کل بصورتی نبوده است که زمینه شرکت هر چه بیشتر توده ها را در امر مبارزه فراهم آورد. در این زمینه بخصوص نقش سازمانهای چپ قابل ذکر و انتقاد است. ما معتقدیم که سازمانهای چپ باید نقش توأم شرکت فعال در مبارزات برای سرنگونی رژیم و نیز اتخاذ تاکتیکها و برنامههایی را که به امر توده ای شدن مبارزه یاری رساند بپذیرد بپذیرد. سازمان ما برای ادای سهم در این زمینه ها به تجدید سازماندهی اقدام کرده و در تقسیم کار جدید مجبور شده است که نیروی کثیری بر فعالیتهای انتشاراتی بگذارد. بدین لحاظ انتشار رهائی به یک شماره در هفته محدود خواهد شد.

همچنین میبایست کارمندان زن ایران نیز در شانزلیزه پاریس که از توس حملات ایرانیان مهاجروایک در پشت دیوای آهنگین کار کنند نیز به دستور ایرانیان استفاده از روضی واقعی ننهادند. البته از آنان نیز خواسته شده که از روضی و روضی بلند استفاده کنند و پس این کارمندان زن اعلام کرده اند که هرگز زیر بار این دستور نخواهند رفت. تلویحاً این موارد، صیانت ازان ایرانی، ایرانیاور از حق انتخاب محرومانند بسیاری از آنها کار خود را رها کرده و جای آنان را صیانت ازان برد گرفته است. تعداد محدودی از صیانت ازان زن که هنوز به سر کار ماندند مانند مجبورند که مقررات حجاب اسلامی را دقیقاً رعایت کنند.

در ادامه مقاله، در زمینه ی تجاوزات به حقوق اولیه زنان و سرکوب رژیم در مورد آنان نمونه زیر را ارائه میدهند:

در زن کارمند در یکی از شعبات بانک تجارت در تهران که فقط قسمتی از موهای خود را بپوشی پوشانده بودند خشم شرعی اسلامی بانک را بر سر انگیزاند. شرعی اسلامی میخواست که در زن را در مقابل باجههای بانک ششباری بزنند و پس سرانجام تصمیم بگیرند که رشیدی شمه را بمنوان مسئول این گناه تعلق بزنند.



هموطنان!

با توجه به محدودیت امکانات سازمان ما در چاپ وسیع و پخش گسترده ی رهائی، که خود ناشی از اقدامات سرکوبگرانه ی رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم است، کوشش کن که پس از خواندن رهائی (در صورتیکه امکان تکثیر آنرا نداری) بهر وسیله ی ممکن هر شماره را لافیل بدست همسایگان، دوستان و آشنایان خود برسانی و با اینکار سهم خود را در افشای ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی، برای درهم شکستن جو اختناق و سرکوب و در مبارزه طبعی تهور و استبداد، ادا کن.

بیروزی با ماست

با خوانندگان...

به منظور وسیعتر کردن برد افشاکری در شرایط فقدان بار کوشی، سازمان ما وظیفه ی خود میداند که تعدادی از نشریه ی رهائی را مجاناً در میان دانشجویان پخش کند. برای ادای این راه و تا صحنه ی بی نظیر از دیگر خوانندگان رهائی میخواهیم با افزایش کمکهای مالی خود ما را یاری دهند.

توضیح و پیوزش

مأسفانه صفحه بندی مقاله ی سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی، مبارزات توده ای و سازمانهای چپ در رهائی ۱۰۴ صفحات ۱۰۵ چاپی شده اند بنابراین این ابتدا باید صفحه ی ۵ سپس صفحه ی ۴ و بقیه ی مقاله در صفحه ی ۱۰ مطالعه شوند. همچنین از قلمبهای تایی شماره ی گذشته نیز پیوزش می طلبیم.

پرتوان بلد اتحاد کارگران علیه سرمایه داران